

مردم هائیتی تحت یورش طبیعت و امپریالیسم!

زلزله ۱۲ ژانویه ۲۰۱۰ در هائیتی احتمالاً هولناک ترین فاجعه طبیعی در تاریخ مدرن می باشد. در فاصله ای کوتاه بیش از نیم میلیون انسان کشته شدند، آن هم در کشوری با ۹ میلیون و هفتصد و هشتاد هزار نفر جمعیت، از نظر اقتصادی هم خسارت وارده باور نکردنی است. بر اساس تخمین های تاکنونی، بر اثر این زلزله به هائیتی ۱۴ میلیارد دلار خسارت وارد شده آن هم در شرایطی که این کشور یکی از فقیرترین کشورهای جهان با درآمد ناخالص سالانه ۶۰۹۵ میلیارد دلاری باشد. بر اثر این زلزله اکثر بیمارستان ها و دیگر مراکز امدادی ویران شده اند. بیشتر ویرانی ها در اطراف شهر دو میلیونی "پورت او پرنس" رخ داد که مملو از محله های فقیر کارگر نشین می باشد. خانه های این محلات از بلوک های سیمانی حفره دار و توخالی ارزان قیمت ساخته شده بودند که از استقامت لازم در مقابل زلزله برخوردار نمی باشند. آن هم در کشوری و در شرایطی که از ده سال پیش تاکنون زمین شناسان از احتمال وقوع یک زمین لرزه پر قدرت در جنوب هائیتی خبر داده و نسبت به عواقب این امر اخطار داده بودند.

اما ناگوارترین خصوصیت این فاجعه عواقب و رویدادهای بعدی آن است که تأثیراتش در سالهای طولانی آینده نیز باقی خواهد ماند. عواقب و رویدادهایی مانند اشغال نظامی این کشور توسط امپریالیسم آمریکا و متحدین آن، و تحقیر و برخورد های غیرانسانی آنها با مردم هائیتی و ایجاد موانعی بر سر راه کمک رسانی به قربانیان زلزله که گرسنه و بی پناه رها شده اند. درست در چنین شرایطی است که شاهد هجوم سرمایه داران داخلی و خارجی برای بهره برداری از این فاجعه تحت نام بازسازی می باشیم.

هائیتی که پس از زلزله رو به نابودی کامل رفته است، قبل از زلزله به عنوان یکی از فقیرترین کشورهای جهان شناخته شده بود. کشوری که بیش از ۸۰ درصد جمعیت آن زیر خط فقر به سر برده و ۷۰ درصد جمعیت بیکار بودند، در همان حال از بالاترین شکاف و اختلاف طبقاتی در رنج بود. در وضعیتی که میلیون ها نفر از کارگران و زحمتکشان فقیر هائیتی در معرض مرگ در اثر گرسنگی و ابتلا به بیماری های واگیردار هستند، طبقه سرمایه دار حاکم بر هائیتی و اربابان آمریکایی آنها برای استفاده از چنین فرصت بزرگی برای ثروت اندوزی عجولانه دست به کار شده اند. کمپانی های بزرگ آمریکایی (بخصوص آن ها که دارای روابط نزدیکی با دولت هستند) ترفندها و بند و بست هایی را برای کسب ثروت های بادآورده از طریق پروژه های بازسازی خرابی ها به ناشی از زلزله آغاز کرده و مسابقه برای گرفتن پروژه های سودآور بازسازی شروع شده است. پروژه هایی که قرار است بودجه آنها از طریق کمکهای خارجی که به اسم بازسازی و کمک به قربانیان زلزله به هائیتی فرستاده شده، تأمین شود.

یکی از این کمپانی ها "اش بریت" نام دارد که رابطه بسیار نزدیکی با چند تن از سناتورهای آمریکایی دارد و غالباً پروژه ها و مناقصه های دولتی در داخل آمریکا را نیز برنده میشود. به عنوان مثال این کمپانی با پارتی بازی در رقابت برای مناقصه ۹۰۰ میلیون دلاری دولت آمریکا برای پاکسازی شهر "نیواورلئان" پس از طوفان کاترینا برنده شده بود.

در فاصله کوتاهی پس از زلزله، رئیس جمهور آمریکا "اوباما" اعلام کرد که علاوه بر ۹۰۰۰ سرباز (فرستاده سازمان ملل) مستقر در هائیتی ۱۱۰۰۰ سرباز آمریکایی دیگر به این کشور فرستاده خواهند شد. و به دنبال این امر ارتش آمریکا کنترل نقاط حساس هائیتی (مانند سواحل، اسکله های تجاری، جاده های اصلی و فرودگاه و غیره) را در دست گرفته است. در اولین روزها و هفته های حساس پس از زلزله که رساندن مواد غذایی و پزشکی به مردم بسیار ضروری و حیاتی بود، ارتش آمریکا که کنترل فرودگاه و بنادر را در دست داشت اجازه ورود کشتی ها و هواپیماهای حامل کمک های خارجی را نمیداد. چندین هواپیما و کشتی حامل میلیون ها دلار

کمک های خارجی (منجمله هواپیماهای سازمان پزشکان بدون مرز) مجبور به بازگشت به کشورهای خود شدند. کشتی های ترکیه و کوبا و ونزوئلا حتی اجازه ورود به آب های مرزی هائیتی را پیدا نکردند. در حال حاضر نیز مقدار زیادی از مواد مورد نیاز مردم به جای توزیع در انبارهای فرودگاه نگه داشته میشوند.

درحالی که مداخله ارتش آمریکا چنین اوضاعی را در هائیتی موجب شده و به اشکال مختلف بر دشواری های مردم افزوده ، رسانه های دولتی با نشان دادن صحنه هایی از هجوم مردم به انبارهای غذا و دیگر مواد مورد نیاز از یکطرف مردم گرسنه و عاجز را دزد و تبهکار جلوه می دهند و از طرف دیگر تلاش میکنند که بدین شکل حضور نظامی آمریکا در این کشور را توجیه کنند.

پخش مقدار کمی از مایحتاج عمومی که توسط سربازان دولتی و آمریکایی انجام میشود نیز به شیوه ای واقعا تحقیرآمیز و غیرانسانی انجام می شود. به جای اینکه تقسیم مواد غذایی را به خود مردم در محلات واگذار کنند ، بدون برنامه ریزی و بی خبر به محلات میروند و بسته های مواد غذایی را از داخل کامیون ها به داخل جمعیت گرسنه پرتاب می کنند و مردم را وادار به هجوم و حمله به غذا ها میکنند.

درچنین وضعیتی است که مردم زحمتکش و بی پناه هائیتی از هر طریقی که توانسته اند به یکدیگر کمک کرده و تلاش کرده اند که بطور جمعی با مشکلات موجود مبارزه کنند. آن ها با دست خالی در میان خرابه ها به جستجوی بازماندگان خود پرداخته و مختصر آب و غذای موجود را با هم تقسیم میکنند.

سال ها حکومت استثمارگرانه دولت های دیکتاتوری وابسته به امپریالیسم و طبقه سرمایه دار حاکم بر هائیتی چنان شرایطی را در این کشور بوجود آورده که تأثیرات مخرب بلاهای طبیعی بر زندگی مردم را صدچندان نموده است.

در حال حاضر نیز طبقه سرمایه دار حاکم بر هائیتی و اربابان امپریالیست آن ها به جای رسیدگی به وضع فلاکت بار مردم به فکر استثمار هر چه بیشتر توده ها بوده و این فاجعه طبیعی را نیز در جهت حفظ منافع طبقاتی خود به کار گرفته اند.

هائیتی در فاصله سالهای ۱۹۱۵ تا ۱۹۳۵ در اشغال نظامی امپریالیسم آمریکا بوده و دولت آمریکا با این کشور به عنوان یکی از مستعمرات خود برخورد میکرد. و بعدا هم که به اصطلاح مستقل شد آمریکا از دولتهای دیکتاتوری "دووالیر" و پسر او پشتیبانی مینمود.

نگاهی به اوضاع این کشور نشان می دهد که کشورهای امپریالیستی از طریق مؤسسات امپریالیستی همچون "بانک جهانی" و "صندوق جهانی پول" از دهه ۱۹۸۰ تاکنون سیاستهای رایج نئولیبرالی خود را که شامل خصوصی سازی خدمات ضروری دولتی و نابود کردن صنایع بومی کشاورزی از طریق وارد کردن محصولات کشورهای غربی است ، در هائیتی پیاده کرده اند. و امروز نیز رژیم حاکم و اربابان امپریالیست آن ها فاجعه کنونی را برای پیاده کردن هرچه بیشتر سیاست های امپریالیستی و پیشبرد منافع طبقاتی خود و کسب سود هرچه بیشتر (تحت نام بازسازی خرابی ها و عواقب زلزله) مورد استفاده قرار داده اند. این موضوع را میتوان با استناد به حرفهای سرمایه داران و سیاستمداران هائیتی به روشنی مشاهده کرد.

به عنوان مثال "جورج ساسین" رئیس انجمن تولید کنندگان هائیتی در مصاحبه ای با "واشنگتن پست" (که در شماره دوشنبه ۱۵ فوریه آن درج شده) گفته است که: "هدر دادن موقعیتی که در اثر یک فاجعه به دست آمده ، کار بسیار اشتباهی است." و یا در همین روزنامه از قول "رگنالد بولوس" (یک سرمایه دار بزرگ صاحب چندین فروشگاه زنجیره ای و هتل و نمایندگی های فروش اتومبیل) گفته شده که: "امروزه زلزله یک فرصت بسیار عالی برای تجارت محسوب میشود. من فکر میکنم که پیام ما (طبقه سرمایه دار هائیتی) باید این باشد که درهای هائیتی به روی سرمایه گذاران باز است. ما آماده تجارت هستیم. این جا واقعاً سرزمین فرصت های طلایی است."

صدای فریاد های شادی سرمایه داران هائیتی در شرایطی در این کشور شنیده می شود که پس از زلزله ای که حدود ۵۰۰ هزار کشته بر جای گذاشت بیش از یک و نیم میلیون نفر از مردم هائیتی بی سر پناه شده و با کمترین امکانات در کمپ ها به سر می برند. با نزدیک شدن بهار و فصل بارندگی ، خطر مرگ و میر (بخصوص ۲۵ هزار نفری که در یک کمپ واقع در یک زمین گلف در "پشن ویل" به سر می برند) مردم بی پناه را تهدید می کند. اغلب کمپ ها در زمین های شیب دار واقع شده اند که در اثر بارندگی ریزش خواهند کرده و خطرناک خواهند بود. و این در شرایطی است که طبق آمار دولتی ، کمپ ها به ۲۰۰ هزار چادر نیاز دارند.

بر اساس گزارش صلیب سرخ عفونت وخیم به یکی از عوامل عمده مرگ و میر در کمپ ها تبدیل شده است. این مسئله به این علت است که مجروحین زلزله که دچار جراحات وخیم شده اند در داخل کمپ ها تحت مداوا قرار گرفته اند و در اثر کمبود وسائل بهداشتی و داروهای ضد عفونی کننده در معرض عفونت و مرگ و یا ابتلای به بیماری هایی چون مالاریا قرار دارند.

خشم و نارضایتی مردم علیه مقامات دولتی هائیتی و اشغالگران آمریکایی به تظاهرات گسترده کارگران و زحمتکشانشان در پایتخت هائیتی منجر شد که در آن شعارهایی بر علیه دولت هائیتی و آمریکا و همچنین "بیل کلینتون" فرستاده سازمان ملل به هائیتی ، سر داده شد.

طبق گزارش سازمان ملل ، گروه های کمک رسانی بین المللی حدود ۲۰ هزار زیر انداز به قربانیان زلزله دادند در حالی که ۷۰۰ هزار زیر انداز در انبارهای فرودگاه نگه داشته شده بود. و تا ۱۴ فوریه ، ۲۲ هزار چادر در میان مردم پخش شده بود اما هنوز ده ها هزار تن از قربانیان زلزله در زیر باران زندگی میکردند. تنها کمکی که مردم میتوانستند به همدیگر بکنند این است که چادر های موجود را با هم تقسیم میکنند و به نوبت از آنها برای خواب استفاده میکنند. درحالی که در همان زمان بیش از صد و چهار هزار چادر در داخل انبارهای فرودگاه خاک میخورد و سربازان آمریکایی از پخش آنها جلوگیری میکردند. و یا در حالی که در بیمارستانی که در ۵ دقیقه ای فرودگاه واقع است مجبورند که بدون داروی بیهوشی عمل های جراحی را انجام بدهند ، داروها در انبارهای فرودگاه خاک می خورند. وقتی هم که بالاخره داروها و مواد غذایی انبار شده را به مردم دادند ، بیشتر آنها خراب شده بودند. به همین دلیل هم هست که دکتر ها و گروه های کمک رسانی اعلام کردند که مرگ بسیاری از قربانیان زلزله در اثر اشغال نظامی و نرسیدن به موقع کمک ها به مردم بوده است.

حدود ۲۲ هزار سرباز به هائیتی فرستاده شدند که فرودگاه و جاده ها و ساختمانهای دولتی را تحت کنترل گرفتند. نیروی دریایی و ناوگانهای جنگی آمریکا نیز مرزهای آبی را تحت کنترل گرفتند که از فرار و پناهنده شدن قربانیان زلزله به آمریکا جلوگیری کنند. در هفته های اول نیز چندین قایق حامل پناهندگان را در مرزهای آبی هائیتی دستگیر کردند و آن ها را به خانه های ویران شده شان باز پس فرستادند.

خبرگزاری های مختلف بارها از مقامات آمریکایی پرسیدند که حضور نظامی آمریکا در هائیتی تا چه زمانی ادامه خواهد داشت. اما هیچ گاه جواب مشخصی داده نشده است. به عنوان مثال "ژنرال داگلاس فریزر" یکی از فرماندهان ارتش آمریکا در این رابطه به خبرنگاران گفت که نیرو های آمریکایی "تا زمانی که لازم باشد در منطقه باقی می مانند".

در واقع حضور نیرو های آمریکایی در هائیتی برای این است که از شورش توده های جان به لب رسیده این کشور جلوگیری کنند و منافع طبقه سرمایه دار این کشور و اربابان امپریالیست آن ها را که کارشان سود جویی از کارگر ارزان این کشور است را تامین نمایند و نه کمک به مردم ستمدیده این کشور.